

پارسی نامه



(فارسی عمومی)

(برای تدریس در مراکز آموزش عالی)

کره مولفان

دورمانی زاده

ابراهیم محمدی

فاطمه جهانی کهنسیری

اکبر لطفی

ابراهیم یعقوبی زاده کروی

نشر طراحان هومن

تهران، ۱۳۹۴

عنوان و نام پدیدآور:	پارسی‌نامه (فارسی عمومی) (برای تدریس در مراکز آموزش عالی) / گروه مولفان داود باقری... [و دیگران] .
مشخصات نشر:	تهران: طراحان هومن، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری:	۱۶۰ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۶۷۷۸-۱۲-۹ ۸۰۰۰۰ تومان
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	گروه مولفان داود باقری‌زاد، ابراهیم محسنی، فاطمه جهانی بهنمیری، اکبر لطفی، ابراهیم یعقوبی‌زاده گروی.
موضوع:	ادبیات فارسی — راهنمای آموزشی (عالی)
موضوع:	ادبیات فارسی — مجموعه‌ها
شناسه آشناس:	باقری‌زاد، داود، ۱۳۵۰
رده‌بندی کنگ:	۱۳۹۴ ۱۴۵ پ / PIR ۳۳۳۱
رده‌بندی دی‌جی:	۸۴۰ / ۷۶
شماره کتابشناسی ملی:	۳۹۵۰۰۸۴



پارسی‌نامه

مولفان: داود باقری‌زاد، ابراهیم محسنی، فاطمه جهانی بهنمیری، اکبر لطفی، ابراهیم یعقوبی‌زاده گروی

چاپ و صحافی: چاپخانه نشر پیکان

چاپ اول: ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰

بها: ۸۰۰۰ تومان

دفتر نشر: شهید بهشتی (عباس‌آباد)، بین چهارراه اندیشه و سهروردی، ساختمان ۶۸

تلفن: ۸۶۰۲۱۰۲۳ دورنگار: ۸۶۰۲۱۰۲۸ www.paykanpress.co

دفتر پخش: میدان انقلاب به سمت آزادی، خیابان جنتی، کوچه فرسار، پلاک ۱

تلفن: ۶۶۴۲۴۷۳۳ / ۶۶۵۶۲۸۳۱ / ۶۶۵۶۲۸۲۵

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه
۱۴	مناجات
۱۴	کعبه دل
۱۵	پندهای حکیمانه
۱۷	موج آلت
۱۷	عیب کسای
۱۸	کاخ سخن
۱۸	ایران جاویدان
۱۸	بوی جوی مولیان
۱۹	فراق فرزند
۱۹	رباعیات خیام
۲۰	در نصیحت فرزند
۲۱	رضای مادر
۲۱	رستخیز عظیم
۲۲	زبان نگاه
۲۲	آتش خاموش
۲۲	سرای سپنج
۲۳	و پیامی در راه
۲۴	سلطان محمود و قاضی نادرست
۲۷	جهل جوانی

۲۸	شیشه‌های رنگی
۳۱	دوست داشتن
۳۳	مهمان بی تکلف
۳۴	حکایت گربه و موش
۳۷	آخرین جرعه این جام
۳۸	در این شبها
۳۹	پاسخ
۳۹	چشم تو
۳۹	حسرت عشق
۴۰	معنای عشق
۴۱	مکه
۴۳	عشق وطن
۴۴	آزادگی ابوسعید
۴۴	گهر وقت
۴۵	حدیث نبی
۴۶	مشاهدات ناصر خسرو در بیت المقدس
۴۷	در اصفهان
۴۸	اندرز مادر
۴۹	راز چرخ
۴۹	در پیشگاه پدر
۵۳	داستان سه انباز راهزن
۵۳	دو حکایت از منطق الطیر

۵۴	در شناختن نفس
۵۶	بلای تعصب
۵۶	ابیاتی از صائب
۵۶	جهان مطلوب سعدی در بوستان
۵۹	استخوانی قفس
۶۰	دماوند
۶۱	نام نیک
۶۱	وزارت جهانگیر
۶۲	قرض بسیار
۶۳	تسلی خاطر
۶۳	خوان هشتم
۶۸	افسانه شیرین
۶۸	در رثای ابوالحسن مرادی بخارانی
۶۹	مرگ قو
۶۹	تصویری از زندگی
۷۰	آداب سخن گفتن
۷۱	نی محزون
۷۲	یاد مادر
۷۲	مادری دریادل
۷۷	قطعه‌ای برای سنگ مزار
۷۸	آتش آه
۷۸	عشق و یکتایی

۷۹	 حکایاتی از عبید زاکانی
۷۹	 حکایت درویش و دخترک
۷۹	 حکایت دزد
۷۹	 حکایت گیوه
۷۹	 حکایت مجد همگر
۷۹	 حکایت سلطان محمود
۷۹	 حکایت سلطان محمود
۸۰	 آی آدمها
۸۱	 میرداماد
۸۱	 مهتاب
۸۲	 تو را من چشم در راهم
۸۳	 شیوه شهر آشوبی
۸۳	 خیمشخانه هرات
۸۶	 حسن روزافزون
۸۷	 دزدان غرب
۸۹	 کوچه
۹۰	 وفات مجنون بر سر قبر لیلی
۹۲	 زیبایی لیلی
۹۲	 چنار و کدوبن
۹۲	 پیرک لال و طفل الکن
۹۳	 حافظ خدا حافظ
۹۳	 آفتاب می شود
۹۴	 چگونگی تصنیف گلستان

۹۶	بزم محبت
۹۶	نامه جوانی
۹۷	جهان فانی
۹۷	عاشق شیدا
۹۷	گریه بی سود
۹۷	شبگیر
۹۸	دوبیتیها
۹۹	موسی و شبان
۱۰۲	غزلی برای درخت
۱۰۳	دردمندان را نظر بر گریه مست است
۱۰۳	عجب صبری خدا دارد
۱۰۵	در آینه چشم من
۱۰۶	حلقه گمند
۱۰۶	زمستان
۱۰۸	بلبل عاشق
۱۰۸	داستان زن هنبوی
۱۰۹	عیب نقاش
۱۰۹	شراب بی خودی
۱۰۹	نوروز
۱۱۲	فردوسی و شیخ کرکانی
۱۱۳	حالا چرا؟
۱۱۴	سر عشق

۱۱۴	صدای پای آب
۱۱۶	سوزش دل
۱۱۷	شب کویر
۱۲۰	بوی جوی مولیان
۱۲۳	آتش اشک
۱۲۴	داستان آفرینش آدم
۱۲۸	دروس الاشباح
۱۳۰	جوانی و خامی
۱۳۱	مناجات نامه
۱۳۲	سبکهای ادبی
۱۳۵	ادبیات مشروطه
۱۳۵	ویژگیهای ادبیات مشروطه
۱۳۵	ادبیات انقلاب اسلامی
۱۳۶	عناصر سخن آرایی
۱۳۹	آرایه های بدیعی
۱۴۳	نشانه گذاری و اهمیت آن در نگارش
۱۴۷	نامه نگاری
۱۴۸	نامه های اداری

زبان و ادب

ادب از زبان آغاز میگیرد و بر میخیزد؛ اما در آن نمیماند؛ به فراتر از آن میرسد. زبان را در راهی نو، برای رسیدن به آرمانها و آماجهایی نو، در میاندازد. زبان برای سخنور تنها مایه و زمینهٔ آفرینندگی است. شاید پیکره و ساختار برونی در زبان و ادب یکسان بنماید، لیک سرشت و ساختار درونی، آرمانها و پیوندها، نهانیا و ژرفاها در این دو یکسان نمیتوانند بود. زباندانی دیگر است و سخنندانی (=ادب‌دانی) دیگر. ادبدان هنرشناس سخن است. کسی است که میتواند زبان را، از دید ارزش‌های هنری پرورده و نهفته در آن بکاود و بگزارد. این کار از زبان‌دان یا سخنگوی بدان بر نیواند آمد.

سخنور جانی تازه در کتب و آثاری که زبان است در میدهد. درست است که واژگان در ادب کمابیش همانهاست که در زبان نیز بکار گرفته میشود، اما درونمایه‌های هنری، شور و تپندگی، انگیزندگی و افروزندگی، در آن نو یک نیست. به سخنی دیگر، ادب زبانی است که شورانگیز شده است. پیام ادب فروتن‌تر و فراتر از آنست که تنها پیامی برای سر بماند؛ راهی به دل نیز میجوید. تنها سر را نمیآموزد؛ دل را نیز سیافر زد. ادب زبانیست که جادوی هنر آن را شگفت و شیرین و شورانگیز کرده است. در این هنگام، زبانی دیگر زبان نیست؛ پدیده‌ای هنری است. هر آنچه دربارهٔ هنر میاندیشیم و میدانیم، هر آنچه شایستهٔ باستانهٔ هنر است، در زبان، زبانی که به قلمرو جادویی ادب رسیده است نیز راست میآید و راست است سخنور، چونان هنرمندی آفریننده، بهره‌ای دیگر از زبان میبرد. آن را در قلمروی دیگر بکار میبرد. بهره‌ای که سخنور از زبان میبرد، آن بهره‌ای نیست که ما در گفته‌ها یا نوشته‌های روزانه خویش از آن میبریم. سخنور تنها نمیخواهد به یاری زبان اندیشه‌ای را از ذهنی به ذهنی دیگر برساند. از آنها در پی آن نیست که به یاری هم‌زبانی، به هم‌اندیشی برسد؛ آنچه او میخواهد همدلی است. اندیشه‌هایی که تنها در سر میمانند و راهی به دل نمیگشایند، در چشم او چندان ارجی ندارند.

آموزه‌ها در قلمرو ادب به ناچار میباید به انگیزه‌ها دیگرگون شوند. سخنور، چونان هنرمند، اگر میآموزد برای آنست که برانگیزد. زبان زمانی سرشت و ساختار هنری مییابد؛ میسرورد؛ به ردهٔ ادب فرا میرود که انگیزنده و شورآفرین شده باشد؛ گذشته از پیام ذهنی برای سر، پیامی عاطفی برای دل نیز در خود نهفته داشته باشد.

(زیباشناسی سخن پارسی - دکتر کزازی)